

# میدان قصه‌گویی

## آشنایی با هنر نقالی



«روح‌الله مالمیر»

### «نقال کیست؟»

**مصاحب** در دایرة‌المعارف خود در مورد ویژگی کار و هنر نقال آورده است: «شخص نکته‌سنج و باخبر از تاریخ، اخبار، اشعار، نوادر و امثال، در حین تقریر داستان، به مقتضای روحیه مستمع و اشخاص داستان، حالاتی از قبیل غضب، عشق، سرور، غم، تحکم، چاکری و ... به خود می‌گیرد و به هنگام لزوم آواز می‌خواند.»

**علامه دهخدا** نیز در همین زمینه نوشته است: «اضافه گو، قصه‌خوان. کسی که قصه و حکایت بیان می‌کند. کسی که در قهوه‌خانه‌ها و مجامعی از این قبیل داستان‌های حماسی و سرگذشت پهلوانان و عیاران را به آهنگی خاص نقل می‌کند.»

در «ویکی‌پدیا» در خصوص نقالی آمده است: «نقالی ایرانی یا افسانه‌گویی ایرانی، کهن‌ترین شکل بازگویی افسانه‌ها در ایران است و از مدت‌ها پیش نقش مهمی در جامعه دارد. نقال کسی است که نقل حماسی می‌گوید و مضمون نقل‌هایش بیشتر پیرامون داستان شاهان و پهلوانان ایران زمین است.»

### «حرفه نقالی»

نقالی مثل خیلی از هنرهای دیگر توسط مردم به وجود آمده است. ابتدا حاکمان توجه جدی به آن نداشتند، اما از دوره صفویه به بعد رسمیت پیدا کرد و تحت حمایت حکمرانان قرار گرفت.

در آغاز صفویه، فردی به نام ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری، در کتاب «فتوت‌نامه سلطانی»، درباره اهل معرکه (معرکه‌گیران) صحبت می‌کند و آن‌ها را به سه گروه تقسیم می‌کند: اهل بازی، اهل زور و اهل سخن. همچنین آداب قصه‌گویی، ابزار، مکان و ... در آن روزگار را شرح می‌دهد. در این دوره کتاب «طراز‌الخبار» هم نوشته شده که شیوه نقالی و نیازهایی را که نقال داشته، به طور مفصل شرح داده

در چند شماره قبل، درباره تأثیر هنرهای نمایشی تک‌نفره در قابل تحمل‌شدن شرایط سخت کرونایی و خانه‌نشینی مطالبی برای شما نوشتیم و به رشته‌های نمایشی پانتومیم، مونودرام و نقالی اشاره کردیم. در این شماره رشته نقالی را که یکی از هنرهای اصیل ایرانی است، بیشتر معرفی می‌کنیم. فراموش نکنید که برای موفقیت در هر کاری، مطالعه و شناخت دقیق آن حرف اول را می‌زند.

### «آشنایی با رشته نقالی در مسابقه‌های دانش‌آموزی»

رشته هنری نقالی یکی از فعالیت‌های انفرادی است که از سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ گسترش آن بین دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم متوسطه در دو بخش پسران و دختران آغاز شد و به این ترتیب زمینه رقابتی سالم و تربیتی در عرصه هنرهای نمایشی در مدرسه‌ها به وجود آمد. از جمله هدف‌های این رشته نوپا در مدرسه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کشف و پرورش استعدادهاى فردى دانش‌آموزان در زمینه هنرهای نمایشی؛
۲. آشنایی دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم متوسطه با نمایش‌های سنتی و آیینی؛
۳. بهره‌گیری دانش‌آموزان از ادبیات کهن فارسی، از جمله شاهنامه و ... برای فعالیت‌های هنری.

### «واژه نقالی»

نقالی در لغت به معنی کار و پیشه فردی است به نام نقال که کالا و یا چیزی را از جایی به جای دیگر می‌برد و نقل می‌کند. اما در اصطلاح به پیشه و هنر کسی می‌گویند که داستان‌ها و واقعه‌های هیجان‌انگیز و جذابی را که شنیده و یا خوانده است، برای سرگرم کردن مردم نقل و بیان می‌کند. تنها ابزار نقال یک چوب‌دستی است که به آن «من‌تُشا» هم می‌گویند.





### «توجه به ایجاد تعلیق در نقل»

یکی از راه‌های تعلیق، «قصه در قصه گفتن» است. یعنی هم‌زمان که نقال مشغول گفتن قصه اصلی است، به دلیلی از ادامه داستان اصلی دست می‌کشد و قصه کوتاه دیگری را بیان می‌کند. در این حالت مخاطب انتظار می‌کشد ببیند داستان اصلی چه می‌شود. نقال قصه کوتاه را که تمام کرد، دوباره به سراغ قصه اصلی می‌رود و آن را ادامه می‌دهد. این روش معمولاً برای بیان یک حکایت اندرزگونه صورت می‌گیرد. پس یکی از ضرورت‌های کار نقالی این است که نقال حکایت‌های زیادی را در حافظه خود داشته باشد؛ به ویژه حکایت‌های پندآمیز. برای رسیدن به این مهارت باید کتاب‌های زیادی را بخواند و با نظم و نثر به اندازه لازم و کافی آشنایی داشته باشد.

در کلام نقال‌ها هم نظم هست و هم نثر. یعنی یک داستان از ابتدا تا به انتها فقط نظم و یا فقط نثر نیست. بلکه بیشتر وقت‌ها به نثر داستان را می‌گویند. استفاده از کلام منظوم و شعر باعث تنوع در کلام و جذاب‌تر شدن گفتار نقال می‌شود.

### «معیارهای ارزیابی نقالی»

خوب است بدانید، فعالیت‌ها و آثار هنری همواره توسط یک یا چند نفر داور ارزیابی و بررسی می‌شود تا سطح کیفی آن‌ها در مقایسه با آثار دیگر مشخص شود. برخی از معیارهای ارزیابی در هنر نقالی که لازم است دانش‌آموزان علاقه‌مند به این هنر به آن‌ها توجه داشته باشند، عبارت‌اند از:

۱. انتخاب صحیح محتوا و دانش‌آموزی بودن متن نقالی، مثل توجه به ارزش‌های دینی، ملی و بومی؛
۲. پرداخت مناسب و استفاده درست از وسایل نقالی؛
۳. بلاغت، فصاحت، خوانش صحیح و وضوح صدا در بیان؛
۴. استفاده درست و بجا از حرکت‌های بدنی در اجرا؛
۵. موفقیت در فضاسازی موقعیت‌های نقل؛
۶. موفقیت در انتقال پیام و موضوع؛
۷. ارتباط و مشارکت لازم با مخاطبان در حین اجرا؛
۸. تمرکز و تسلط در اجرا؛
۹. خلاقیت و نوآوری.

است. حتی شعرهای موردنیاز نقالان را آورده است.

وجود این کتاب‌ها نشان می‌دهد که از این دوره به بعد نقالی چقدر موردتوجه مردم و حکمرانان بوده و در اجتماع کاربرد و تأثیر داشته است. نقالان به این هنر به چشم یک شغل نگاه می‌کردند و جاهایی مثل قهوه‌خانه‌ها محل ثابتی برای آنان بود. به این ترتیب شغل نقالی رسمیت پیدا کرد.

### توجه به نقش‌ها و مکان‌ها در نقالی

در هر حکایت، روایت و یا نقلی، شخصیت‌هایی هستند که حادثه و یا واقعه‌ای را می‌سازند و عمل و عکس‌العمل دارند. نقال با نقل عمل‌ها و عکس‌العمل‌های شخصیت‌های قصه و حتی گاهی اجرای نقش آن‌ها، کار خود را پیش می‌برد. عمل و عکس‌العمل شخصیت‌ها در مکان خاصی اتفاق می‌افتد. پس نقال باید به مکان‌ها نیز اشاره کند و بتواند مکان و یا مکان‌های موجود در قصه را به خوبی برای مخاطب شرح دهد تا در ذهن او نقش ببندد.

استفاده از «تکنیک نقش در نقش» که همواره در هنرهای نمایشی مورد استفاده قرار می‌گیرد، از جمله مهارت‌های مهمی است که زمینه‌های موفقیت بیشتر را برای نقال در حرفه‌اش فراهم می‌آورد. منظور از تکنیک نقش در نقش این است که یک بازیگر در عین حال دو یا چند نقش را به طور دنبال هم (مستمر) ایفا کند. برای مثال، دانش‌آموزی که می‌خواهد نقل رستم و سهراب را اجرا کند، گاهی نقش رستم و گاهی نقش سهراب را بازی می‌کند و به جای هر کدام، رفتار و گفتار آن‌ها را نقل می‌کند.

### «توجه به تخیل و بداهه‌پردازی در نقل»

یکی از موضوع‌هایی که نقال خیلی باید به آن توجه کند، «بداهه‌گویی» است. اگر نقال بخواهد داستانی را جمله به جمله و یا کلمه به کلمه حفظ کند و بگوید، بدون شک دچار مشکل می‌شود. نقال باید کل و اساس داستان را حفظ کند، اما همیشه بکوشد به صورت بداهه داستان را تعریف کند. یعنی به زبان خودش داستان را بگوید. این موضوع به قوه تخیل نقال کمک می‌کند. مثلاً زنده‌یاد مرشد توابی یک داستان را بارها و بارها با حفظ اساس داستان، به شکل‌های متفاوتی نقل کرده است. او موقعیت مجلس و مدت زمانی را که در اختیار داشت در نظر می‌گرفت و گاهی شخصیت‌ها و قصه‌های فرعی را نیز به داستان اضافه می‌کرد.

یکی از تمرین‌هایی که نقال برای مهارت بیشتر می‌تواند انجام دهد، تمرین تخیل و بداهه‌پردازی در نقل است. در این نوع تمرین، نقال اجازه دارد خیال‌پردازی کند و قصه را گسترش دهد. مثلاً وقتی قرار است نقال از زبان یک اسیر قصه‌اش را برای ما تعریف کند، در اینجا اسیر اول شخص می‌شود و نوع روایت تغییر می‌کند. او می‌گوید: «در یکی از روزها که در بند غل و زنجیر زندان اسیر بودم، نگهبان به سراغم آمد. زنجیر از دست و پای من گشود و مرا به دربار شاهی برد ...»

البته باید توجه داشته باشید، این تمرین فقط برای تقویت قوه تخیل است و نقال خواه‌ناخواه مجبور است، همیشه از زبان سوم‌شخص استفاده کند. چون نقال در مورد حادثه‌ای که در گذشته اتفاق افتاده است، صحبت می‌کند و باید فعل جمله‌ها گذشته ساده باشد: «سوار شد، به راه افتاد، ایستاد، رفت، خوابید و ...»